

نگاهی به دو خبر

حمید قربانی

۲۹ می ۲۰۱۱

در روز ۱۵ می ۲۰۱۱ بود که به طور ناگهانی و به یکباره و به طور خیلی "طبیعی" خبری همزمان از تمامی کانالهای خبری تلویزیونها و دیگر مدیای جهان تحت سلطه سرمایه امپریالیستی اعلام شد. خبر: "حکم جلب رئیس فرانسوی صندوق بین المللی پول (Dominique Strauss-Kahn) به وسیله دادستان دادگاهی در نیویورک صادر گردید." استرووس کان را در فرودگاه نیویورک دستگیر نموده و تحویل "عدالت" دادند. در اخبار روز ۱۶ می، او را با دو پلیس گردن کلفت، که از دو طرف دستان او را گرفته بودند که "فرار نکند"، در حال سوار کردن به ماشین می بینیم (۱). او را بعد از دستبندی دستبند زده و با موهای ژولیده، تنی خسته، مشوش و روحی سرگردان، در مقابل بازپرس بر صفحه تلویزیونها نشان دادند.

وضعیت او عین آن وضعیت صدام حسین دیکتاتور سابق عراق در موقع دستگیری را مجسم می کرد. صدامی که زمانی نه چندان دور، زمان بمباران شیمیایی حلبچه و انفال در کردستان عراق در تابستان ۱۹۸۷ که موجب کشتار از ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار انسان زحمتکش و بیگناه و بی دفاع گردید. صدام در آن زمان مورد علاقه مخصوص رامسفلد وزیر دفاع زمان دستگیری اش در دولت متجاوز و امپریالیستی آمریکا به ریاست بوش پسر بود.

این در واقع، گذشته از اینکه این نوکران سرمایه مانند سایر همکاران امروزه بر مسند قدرت نشسته شان چقدر کنیف، ضد انسان، پست، رذل و متجاوز هستند، روی این حقیقت بارها تکرار شده از جانب نه تنها سوسیالیست ها بلکه هر ژورنالیست قدری مسئول در شغل اش، باز هم تأکید می کند و به روشنی اثبات می نماید که چقدر حرمت انسانی در نزد سرمایه و کار بدستان اش بی ارزش و پوچ است و نیز دو روئی حاکمان دولت های دموکرات سرمایه را نشان می دهد که از یک طرف خود را مدافع حقوق بشر (این با صطلاح دولت های متمدن و مدرن که برخی ها از چپ ها نیز سینه چاکشان هستند) و رعایت کرامت انسانی می دانند، از طرف دیگر حتا با نوکران تا یک لحظه قبل خویش چه رفتار زشت و غیر انسانی می کنند. و اما در مورد "چپ ها" این چنینی چند جمله ای قابل ذکر است، نگاه این "چپ ها" بیشتر از همه هیروتی بودن این احزاب و سازمانها را نشان می دهد. که خود را کمونیست دانسته، ولی شیدا وار پیروی از فرهنگ "برتر" غربی سرمایه دارانه را نشانه مبارزه، رادیکالیزم و سکولار بودن می دانند. این نوع احزاب چنین فرهنگی را که برآستی ارتجاعی و ضد انسانی است، مترقی و قابل پشتیبانی می دانند. اصل آن خود امپریالیست را باوجودی که دو جنگ جهانی با میلیونها کشته و هزاران جنگ محلی و کودتای نظامی و خون آلود در جیب دارد و با ارتجاعی ترین نیروهای اجتماعی تا کنون ساخته و میسازد را فرهنگ برتر می دانند. و از این زاویه نیز حتا حاضر بوده و هستند که از تجاوزات نیروهای نظامی امپریالیستی بر علیه کارگران و زحمتکشان با بهانه مبارزه و جنگ بر علیه تروریسم و ارتجاع مذهبی و قومی که خود به وجود آورنده اش بودند و هستند، دفاع می نمایند. مثال حی و حاضر و نمونه تپیک این نوع "چپ ها" به باور من حزب کمونیست کارگری کنونی ایران در مسئله تجاوز نیروهای نظامی امپریالیستی به لیبی و دیروز در جنگ و تجاوز بر علیه مردم افغانستان، عراق و کشتاری است که تا کنون ادامه دارد و واقع آن معلوم نیست کی و چگونه پایان می یابد؟! همین چند روز قبل بود که در حمله به تظاهرکنندگانی که بر علیه

کشتار شب قبل از آن، که بوسیله نیروهای ناتو انجام گرفته بود و موجب کشته شدن چند زن و کودک شد، به گفته و نوشته خود مدیای جیره خوارشان ۱۱ نفر را نیروهای ناتو کشتند و بیش از ۷۰ نفر را زخمی نمودند (۲).

برگردیم به خبر، رئیس صندوق بین المللی پول با ۲۵۰۰ کارمند و حاضر در همه جا (۳) را به جرم دو فقره تجاوز جنسی بازداشت کرده اند. البته دستگاههای خبری همواره حاضر و آماده و خیلی "آزاد" و دموکرات نیز به کار افتادند و "روشن" کردند که رئیس بانگ عزیز دردانه امپریالیست ها در هنگام این مسئولیت خلفای دیگری نیز انجام داده است و چندین تجاوز جنسی و غیره در پرونده دارد. مسئولیتی مهم و با اهمیت و حیاتی برای سرمایه و سود دهنی اش و حقیقت آن ضد انسانی که فقط در هند موجب خودکشی های دسته جمعی دهقaban بی زمین شده بسیاری گردید. ولی، نمی دانیم که چرا تا کنون این تجاوزات بروشنی اعلام نکرده بودند؟ و حتی اکنون هم نمی شوند؟ همین مدیا ولی، فوران با مادر یکی از دختر های مورد تجاوز گرفته نیز صحبت کردند. طوری طرح را ریخته بودند که همه قبول کنند که چنین اتفاقی در همین چند روز اخیر رخ داده است. مأمورین همواره در پی اجرای "عدالت" نیز پیش از این نمی توانستند کاری انجام دهند و حالا مجرم را دستگیر و تحویل عدالت داده اند. زن دوم و اصلی را که یک خدمتکار و نظافتچی هتل محل اقامت آقای استراوس کان امروز متجاوز و دیروز مهمان گرمی هتل، می باشد، فعلاً در قرنطینه گذاشته اند و کسی اجازه ملاقات با ایشان را ندارد. اعلام نیز کرده اند که این کار برای این انجام می گیرد که از ملاقات وکیل یا وکلای دومینیکو استراوس کان مرد با نفوذ و قدرتمند دیروز و موش آبکشیده امروز با ایشان ملاقات نکنند که چند میلیون دلار حق السکوت به ایشان بدهند که از همکاری با پلیس خودداری نماید. این زن بیچاره یک زن سیاه پوست است که تا روز قبل از این واقعه، دست به سینه باید ساعت ها پشت درب اتاق این ها منتظر می ایستد تا اجازه ورود دهند. از این نوع تجاوزات هر روزه در نزد این طبقه زالو صفت و حریص و طماع اتفاق می افتد. تجاوز جنسی از افتخارات مردان طبقات حاکمه سرمایه دار است. اینکه چرا؟ امروز این انسان زحمتکش که برای یک لقمه نان همواره باید جای خواب آقایان و خانم های سرمایه دار و نوکران و جیره خواران خوش گذران گوناگونشان را مرتب می کرد و در خدمتگذاری همیشه آماده می بود. به یک باره این قدر "حرمت اش" در نزد این ها مهم می شود، جای سؤال جدی است. ما در اخبار دیده ایم که چطور نیروهای نظامی و غیر نظامی به دختران و زنان در خانه و زندان ها تجاوز می کنند. اما، این واقعه خیلی جالب می شود که بدانیم آقای دومینیکو استراوس را در حال سوار شدن به هواپیما بازداشت کرده اند. زیرا که

در همان روز، قرار بود که او در نشستی در مرکز اتحادیه اروپا با وزراء اقتصادی این اتحادیه شرکت داشته باشد و در مورد چگونگی باصطلاح کمک به و در اصل چگونگی تحمیل ریاضت اقتصادی زیادتر به کارگران و سایر زحمتکشان کشورهای بحران زده عضو این اتحادیه مثل یونان، پرتغال و اسپانیا و غیره ریزنی داشته باشند و این به گفته برخی از همان خبرنگاران و گزارش دهندگان زیاد به مذاق سرمایه آمریکا مثل اینکه خوش نمی آمد و کمی به ضررش می توانست تمام شود. خلاصه گرفتن رئیس صندوق بین المللی پول (۳) که جز خدمت به کلیت سرمایه جهانی وظیفه دیگری تا کنون نداشته است، نقل مجالس شده بود.

این را هم بگویم، اینکه مزدوران سرمایه متجاوزند، اینکه رشوه دهنده و رشوه گیرنده هستند، اینکه هر کار ضد انسانی کرده و می کنند، برای هرکسی روشن است، ولی اینکه در چنین موقعیتی این اعلام می شود و آنها با چنین شیوه ای و دست پاچگی غیر قابل وصف،

نیز می تواند برای همه قابل سؤال بوده و هست. هیچ کس که کمی عقل داشته باشد نمی تواند باور نماید که تا کنون اگر ایشان تجاوز کرده باشد که با احتمال زیاد بارها کرده، دستگاه قضائی آمریکا با این همه مأمورین تجربه دیده اطلاعاتی و کارآگاه آزموده خبر نداشته است. روز ۱۹ ماه می ۲۰۱۱ و بر طبق خبر منتشر شده از طرف خبرگزاری رسمی کشور سوئد (ت ت) از قول یک روزنامه لیبرال سوئدی به نام اخبار روز (dagens nyheter) اعلام گردید که مردم فرانسه این را یک توطئه و ساخته شده دستگاه قضائی آمریکا می دانند. از قرائن چنین پیدا است که در این اواخر استراووس کان با اصطلاح سوسیالیست، زیاده روی هائی داشته و در ضدیت با غارتگری سرمایه امپریالیستی آمریکا البته چون یک سوسیال دموکرات اروپائی که فرو لند است و دیگر هیچ! این جا و آنجا حرف هائی زده بوده که این بیشتر برای بازار گرمی انتخابی ولی در هر صورت از جانب یک اروپائی سوسیال دموکرات و در خدمت سرمایه اروپائی، میتواند سوء ذهن برای سرمایه ی در بحران فرو رفته و دولت قرض دار و بی آبروی آمریکا ایجاد کرده باشد. بعنوان نمونه در جریان بحران دو سال قبل یونان که تا کنون نیز ادامه دارد، از طرف سازمان مطبوع استراووس کان یعنی صندوق بین المللی پول و خود شخص آقا رئیس اعلام شده بود که سرمایه داران آمریکائی دستی در دزدی های انجام گرفته در این کشور داشته اند. از طرف دیگر حزب سوسیالیست فرانسه نیز در نظر داشته و شاید هم هنوز داشته باشد که در صورت آزادی این سیاست مدار کار کشته، ایشان را بعنوان کاندیدای خود در انتخابات پیشرو ریاست جمهوری این کشور در مقابل سرکوزی قرار دهد. سرکوزی که فعل ان قلدر بورژوازی تجاوزگر فرانسه است. او (سرکوزی) همان قدر که نزد کارگران و توده های تحت ستم در فرانسه بدلیل تحمیل بالا بردن سن بازنشستگی از ۵۸-۶۰ سال به ۶۵-۶۷ سال و زدن پی در پی دست آوردهای مبارزاتی این طبقه بحق مورد نفرت و بی زاری است، مورد پذیرش راست ترین جناح بورژوازی امپریالیستی فرانسه می باشد و به همراه کامرون انگلیسی این روزها روی بورس بورژوازی نئولیبرال و نئوکان فرانسه و انگلیس و کل اروپا است، چون سرکوزی اولین رئیس جمهوری بود که حمله تجاوز گرانه امپریالیستی به لیبی را در خواست کرد و نیز میراث های فرانسوی اولین هواپیماهای جنگی دول امپریالیستی بودند که در این تجاوز شرکت کردند و بمب بر سر مردم و قذافی دیکتاتور نیز ریختند. دستگیری آقای استراوس کان بی ربط به سرکوزی و انتخابات سال بعد فرانسه هم شاید نباشد، چرا که، این روزها سرکوزی و اوباما در کلی از مسائل با هم مسابقه دوستانه گذاشته و خیلی به یکدیگر نزدیک شده اند. این درست مثل نزدیکی بلر با بوش پسر بود در زمان جنگ بر علیه مردم افغانستان و عراق که به حق "سگ روی زانوی بوش" لقب گرفت. شاید این نقش عوض شده باشد؟

باز هم به اخبار سوئد در این رابطه برگردیم. ۱۹ ماه می سایت اینترنتی روزنامه اخبار روز با اشاره به آمارگیری و نظرسنجی که روزنامه لوموند پاریس انجام داده بود، می نویسد: «در فرانسه بسیاری از مردم عادی و نیز سیاسیون نظر می دهند که اتهام تجاوز جنسی زدن به آقای دومینیکو استراووس کان ساختگی است. طبق این نظر سنجی ۵۷ درصد از مردم می گویند که استراووس کان را با یک طرح از پیش ساخته شده بازداشت کرده اند. این را یک دیوانگی از طرف قوه قضائیه و دولتمداران آمریکا می دانند. از آنهایی که به تئوری ساختگی باور دارند ۷۰ درصد سوسیالیست هستند».

از سوی دیگر پلیس آمریکا بر طبق فرمان داده شده آقای دومینیکو استراوس را از شهر نیویورک تبعید نموده و در یک زندان که زندانیان قاتل و دزدهای مشهور و غیره در آنجا نگه داری می شوند، البته در یک سلول ۲ در ۳ زندانی کرده بودند. او منتظر است که اربابان امپریالیست اش بر سر او به چه توافقی می رسند. شاید که توافق انجام نگیرد و ایشان تا آخر عمر و یا چندین سال (۲۰ سال) در گوشه سلول زندان تشریف داشته باشد.

خبر بعدی، اما، حکایت از این می کند که حزب سوسیالیست فرانسه پشت کاندیدای خود برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده فرانسه محکم ایستاده است. همین روزنامه (اخبار روز) در سایت خویش، می نویسد که: حزب سوسیالیست فرانسه خواستار آزادی دومینیکو استراووس کان در مقابل ضمانت است. این خبر می افزاید که رهبر حزب سوسیالیست فرانسه هارلم دیسیر (Harlem Desir) از رئیس جمهوری فرانسه سرکوزی خواسته است که از قدرت خود استفاده کند و دادگاه آمریکا را به آزاد کردن استراووس در مقابل ضمانت وادار نماید. به عقیده این رهبر حزبی آزادی استراووس برای ترتیب دادن وکیل و سازمان دادن پروسه آن در دادگاه برای دفاع مناسب از خود ضروری و لازم است. از قرار معلوم سرکوزی این کار را انجام داده و او باما نیز پذیرفته باشد، زیرا که او اکنون از زندان آزاد و در جایی تحت نظر است. البته با استعفا ایشان از ریاست صندوق بین المللی پول اکنون یکی از نزدیکان و همکاران آقای سرکوزی کاندیدای این مقام شده است.

(۱) - منبع خبر دستگیری :

<http://www.expressen.se/nyheter/1.2437358/imf-chefen-stannar-i-haktet-i-new-york%3C/ref%3E>

(۲) - منابع خبر حمله نیروهای متجاوز ناتو به تظاهرات مردم در ولایت تخار:

<http://afview.blogfa.com/post-99.aspx>

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/05/110529_k01_helmand_nato_strike.shtml

(۳) - برای اطلاع از ماهیت و جایگاه صندوق بین المللی پول در سیستم امپریالیستی کنونی به این آدرس به سوئدی که می توان با استفاده از گوگل- ترجمه، به انگلیسی و غیره برگرداند مراجعه کنید.

<http://www.dn.se/ekonomi/fakta-om-imf>

(۴) - این گفتنی است که روز اول ماه می تمام جامعه یونان از حرکت ایستاد، زیرا که کارگران و کارمندان بخش عمومی دست به یک اعتصاب عمومی زده بودند. اعتصاب کنندگان اعلام می کردند: «سرمایه داران دزد و حریص تمام دارائی ها را دزدیده اند و جامعه را دچار چنین بحران حادی کرده اند و حالا باز هم می خواهند که ما قرض هایشان را پرداخت کنیم. ما یک قرآن نیز حاضر نیستیم بیش از این بپردازیم»، به قول مارکس: «آنچه در اقتصاد ملی سرمایه داری مال همه است یدیهای عمومی است. این بدهی ها مال همه است و بقیه چیزها مال گروهی ویژه». محمد قراگوزلو - مقاله امکان دفن نئولیبرالیسم شماره ۹ (سایت های پروسه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر، خانه کارگر آزاد و ...)، البته این مبارزه با شدت و در شرایط کامل ان پلیسی در یونان و اسپانیا ادامه دارد. فیلم زیر صحنه هائی از بر خورد پلیس اسپانیان را نشان می دهد. مردم مادرید به محض اطلاع یافتن از این حمله هزاران نفر به میدان دروازه خورشید آمده و در درگیری با پلیس تا کنون ۳۷ نفر پلیس زخمی و سلاح و لباس شان مصادره می شود.

<http://www.facebook.com/video/video.php?v=2085222251542>

خبر دوم

شب ۱۷ ماه می در اخبار ساعت ۱۰ شب تلویزیون کانال ۴ سوئد که کانالی نیمه خصوصی و نیمه دولتی است. اعلام گردید که چند سال پیش در یک معامله فروش هواپیماهای جنگی یاز که ساخت شرکت صنعتی ساب سوئد می باشند، یکی از شرکت های دختر ساب به نام سانپ (Sanip)، محل فعالیت آفریقای جنوبی، مبلغی هنگفت، بر طبق گفته خبر دهنده، ۱۰۰ میلیون کرون سوئدی (روز بعد در خبر سوئد به بالاتر از ۵۰ میلیون تقیلیل پیدا کرد) به یک دلال اسلحه به نام فانا هلویگه و انا که مشاور اصلی وزیر جنگ آن زمان دولت آفریقای جنوبی بود، بعنوان رشوه پرداخت کرده است. این پول در ازای خرید هواپیماهای (یازپلان) به تعداد ممکنه و بعنوان رشوه به مشاور وزیر دفاع آفریقای جنوبی داده شده است. حال شما خودتان قضاوت کنید که مبلغ فروش چقدر بوده است که در حدود ۱۰۰ میلیون کرون رشوه و آنهم به قول خبر دهنده «دستی» پرداخت شده است. در همان زمان که این معامله در حال انجام بود، بر طبق اخبار و گزارشات منتشر شده، یک اکثریتی از مردم آفریقای جنوبی زیر خط فقر بودند و اکنون نیز هستند. در دو سال قبل فقط بعلت بیماری ایدز روزانه در حدود ۱۵۰۰ نفر جان باخته اند.

این کانال تلویزیونی اعلام نمود که خبرنگاران اش کوشش کرده اند که با سه نفر از سوسیال دموکراتهای مشهور سوئدی، یعنی نخست وزیر و رهبر حزب سوسیال دموکرات در آن زمان یوران پرسون، و یک وزیر دیگر و وزیر دفاع مصاحبه نمایند. از این سه نفر فقط وزیر دفاع این مصاحبه را قبول می کند. آقای فون سی دوف، وزیر جنگ، در مصاحبه اش اصل ان از مفاد قرار داد اظهار بی اطلاعی کرد. یعنی خیلی راحت صورت مسئله را پاک نمودند. و در جواب سؤال فرمود که من هیچ اطلاعی از این موضوع نداشته و اکنون این را شنیده ام. همچنین او که سیاستمداری کهنه کار و یک دوره چهار ساله نیز رئیس مجلس سوئد بوده، نه خواست که خود را از تک و تا بی اندازد، خیلی حق به جانب از افشای چنین رشوه دهی و امثال آن اظهار شغف می کرد که چقدر خوب است که این افشاء گری ها انجام می گیرد. این را نیز باید گفت که رشوه خواری در جامعه سوئد مثل هر کشور سرمایه داری دیگر به یک مسئله پیش پا افتاده و روزمره تبدیل شده است. چندی پیش یکی از برنامه های تلویزیون سوئد، رشوه خواری های چندین برابر این را در مورد کمون گوتنبرگ، شهری که چندین سال است که حزب سوسیال دموکرات بر آن مسلط است، نشان داد. چند سال پیش رئیس شرکت آب ب (ABB) نیم میلیارد کرون سوئدی را فقط بعنوان شرم آفتال (kärmaftal) یعنی گرانتی از کنار بردن خویش، در موقع خوب انجام ندادن وظیفه اش یعنی سود زیاد نصیب شرکت نکردن، در حساب خود ریخته بود.

به گذریم و به مسئله خودمان برگردیم. در همان برنامه ی خبری، گزارشی از زمان بستن قرار داد فروش هواپیماهای جنگی نشان داده شد. در این گزارش همین آقای وزیر دفاع - "بی" خبر از مفاد قرار داد "را در رکاب نخست وزیر پرسون با شکمی ورامده و گنده در آفریقای جنوبی با لبنانی خندان در هنگام تحویل تعدادی از این هواپیماهای جنگی نشان می داد. این را هم بگویم که مسئول اصلی شرکت ساب در سوئد هم از هر گونه مصاحبه و دادن اطلاعات لازم سرباز زده و حتا به خبرنگار متذکر شده بودند که نباید از محل دفتر کار خانم مدیر فیلم بگیرد. تعداد این هواپیماها مثل اینکه این قدر بوده است که تا کنون همه تحویل داده نشده و یکی از آنها هنوز باقی مانده است.

البته این افشاء گری درست در زمانی انجام می گیرد که رهبر تازه انتخاب شده حزب سوسیال دموکرات سوئد، آقای هوکان هولت که خود قبل از انتخاب بعنوان رهبر حزب، بعنوان نماینده حزب سوسیال دموکرات در کمیته دفاع مجلس نقش بازی می کرد، با ماندن هواپیماهای جنگی سوئد که در بمب بارانهای لیبی در همکاری با نیروهای ناتو شرکت دارند، به شدت مخالفت کرده است!! ایشان چندین بار گفت «هواپیماهای جنگی باید به خانه برگردند» البته از صبح امروز تا عصرش چندین بار این شدت لحن تعدیل شد. طوری که اول و برای چندین بار تکرار می کرد که "باید هواپیماها به خانه برگردند". بعد هواپیماها را با زیر دریائی ها و کشتی های جنگی خواهان تعویض بود و در آخر سر نیز به گفته خودش و با پیشنهاد شورای امنیت سازمان ملل متحد، فعل ان تا اطلاع ثانوی به نظر می رسد که موافقت نموده که مشت مرئی سرمایه سوئد همکاری اش را با نیروهای دیگر امپریالیستی ادامه دهد. هر چه باشد سرمایه سوئد نیز به نفت و امتحان یازپلان برای معاملات جدید در آینده نیازمند است. (۱) البته این مبلغ صد میلیون کرون فقط بنا به گفته خود گوینده اخبار، رشوه ای است که به یکی از دلان اسلحه، ببخشید مشاور وزیر، در آفریقای جنوبی داده شده است. چقدر به دلان دیگری یعنی وزیر محترم و نخست وزیر و وکلای مجلس که در کمیته دفاع یعنی کمیته کارچاق کن اسلحه فروشی و غیره داده شده است و یا خرج شورشان و نیز چقدر خرج سفر شاه سوئد با خانواده اش در هنگام بستن قرارداد به جنوب آفریقا و سفر نخست وزیر ماندلا، وزیر دفاع ایشان و هیئت همراه یعنی دلان و مشاوران دزد و رشوه بگیر و رشوه خوار به کشور سوئد شده است، فقط از ما بهتران می دانند و هنوز افشاء نشده اند. این ها از اسرار مگویند، درست مثل دلیل و انگیزه قتل اولاف پالمه نخست وزیر سوئد در ۱۹۸۶ و کندی در آمریکا و غیره.

در افزوده ۱: نگاهی کوتاه به آفریقا جنوبی. من یک نگاه به سایت گوگل انداختم. اطلاعات زیادی در مورد آفریقای جنوبی موجود است. اما خیلی خلاصه بگویم که بر طبق گزارش سازمان جهانی توسعه جمعیتی که وظیفه دارد از آنجمله استاندارد زندگی جمعیتی در سراسر جهان و چگونگی پیشرفت را بسنجد، آفریقا جنوبی از نظر استاندارد زندگی، آموزش و معدل عمر در مرتبه ۱۲۹ از ۱۸۲ کشور مورد سنجش قرار می گیرد. خیلی وضعیت بدتر می شود اگر چگونگی تقسیم درآمد یعنی شکاف طبقاتی را در نظر بگیریم. حتا به نسبت زمان رژیم آپارتاید اوضاع اقتصادی برای اکثریت مردم بدتر شده است. در آن زمان یک سوم جمعیت آفریقای جنوبی کمتر از یک یورو و نیم درآمد روزانه داشتند که امروز این رقم به ۴۳٪ درصد جمعیت بالغ شده است. آن زمان معدل عمر ۶۲ سال و اکنون متأسفانه به ۴۹ سال رسیده است.

اینکه سیستم آپارتاید نژادی خیلی ضد انسانی بود بر هیچکس پوشیده نیست. اصل ان کسی که ذره ای بو از انسان بودن برده باشد، نمی تواند طرفدار چنین سیستم های ضد انسانی مثل جمهوری اسلامی ایران، دولت صهیونیستی اسرائیل و آفریقای جنوبی نژاد پرست آن زمان و... باشد. و اما، مسئله مهم به باور من هم در آن زمان و بویژه در این زمان این بوده و هست که این کار بدست چه نیرو و طبقه اجتماعی انجام می گیرد. تمام واقعیات امروز و دیروز جهان و بویژه شورش های اخیر انقلابی منطقه خاورمیانه نشان از این دارند که اگر سرنگونی این دولت های انسانکش و طرفدار قوانین قرون وسطائی و دوران وحشیگری، بدست طبقه کارگر آگاه به منافع طبقاتی خویش و متشکل و متحد در تشکلات خود ساخته (صنفی سیاسی) مثل اتحادیه ها، سندیکا ها و شوراهای انقلابی و بویژه حزب سوسیالیست کمونیست انجام گیرد، میتواند به حکومت اکثریت یعنی دیکتاتوری پرولتاریا، خوشبختی و آزادی انسان بیانجامد و گرنه چه بسا که از نظر زندگی به فلاکت و نکبت بیشتر منجر شود،

همچنان که ایران امروز را داریم و حتا اگر آفریقای جنوبی رها شده بدست ماندلای ۳۰ سال زندان کشیده و حزب سوسیال دموکرات و ایجاد کمیته های تحقیق و بخشش و غیره باشد. نبرد و ستیز طبقاتی کارگران و زحمتکشان بر علیه سرمایه داران و دولت های رنگارنگ و با ایدئولوژی های گوناگون اسلامی، فاشیستی، صهیونیستی و با دولت های لیبرال و دموکرات و یا دیکتاتورشان شان است که می تواند جوابگوی نیازهای انسان کنونی باشد و بنیاد جامعه ای انسانی گردد که در آن نه از تجاوز خبری باشد و نه محلی و ضرورتی به رشوه دهی و رشوه خواری امکان بروز داشته باشد .

برای اطلاع بیشتر از اوضاع آفریقای جنوبی به وبلاگ زیر به زبان سوئدی مراجعه کنید

<http://www.dn.se/ekonomi/fakta-om-imf>

(۱) یادم هست که در چند سال قبل آقای استن آندرسون وزیر امور خارجه آن زمان، سوسیال دموکرات در یک مصاحبه رادیویی اعلام نمود، " « ما باید اسلحه بفروشیم. فروش اسلحه برای اقتصاد ما ضروری است. » این در زمانی بود که هواداران صلح در سوئد اعلام کرده بودند که تقریباً آن سرمایه سوئد از طریق سلاح و ادوات جنگی در تمام جنگ های موجود (در حدود ۵۸ جنگ داخلی و غیر داخلی، دفاعی و تعرضی) شرکت دارد. اکنون نیز یکی از طرف های فروش اسلحه به ارتش های تجاوزگر آمریکا و انگلیس و بویژه سلاح هائی که در عراق کاربرد فوق العاده دارند، سوئد می باشد.